

چکیده:

هدف این مقاله نگاهی به ریشه های فکری موافع فرهنگی توسعه اقتصادی در ایران است. درواقع این موافع راعمد تا در تحولات ساختاری بدنحوه خردورزی ایرانی ملاحظه می کنند. مقاله، نخست با این پرسش آغاز می شود که «تعریف توسعه چیست؟» و سپس براساس دسته بندی انواع کالاهای و توانایی کشورها در تولید آنها، کشورهای رادر چهار سطح از توسعه یافتنگی دسته بندی می کنند. این اساس توسعه یافتنگی رابه عنوان توانایی ابداع و نوآوری در فناوری تعبیر می کند. آن گاه با یاد آوری این نکته که هسته‌ی مرکزی توسعه، عقلانیت است به مسائلی عقلانیت به عنوان همزاد فرهنگ می پردازد. در راستای معرفی انواع رویکردهای فکری به عقلانیت می پردازد و سپس عقلانیت را - از منظر اقتصادی - به سه سطح تقسیم می کند: (عقلانیت ابزاری، عقلانیت آیینی و عقلانیت معنی داری). آنگاه با بیان مثالهایی رابطه‌ی این سه سطح عقلانیت را مورد بررسی قرار می دهد. در ادامه با بیان نقش و نوع عقلانیت مورد توجه در نظریه‌های اقتصادی، نشان می دهد که نظریه‌های اقتصادی تنها زمانی برای یک جامعه کاربرد دلند که مردم آن جامعه بر اساس «عقلانیت ابزاری» تصمیم بگیرند و عمل کنند. این مقاله سرانجام با این جمع بندی به پایان می رسد که بی ثباتی های بلندمدت، بی حرمتی تاریخی به قوانین بھویژه به قوانین اساسی، فساد دولتی و عدم اعتماد به برنامه‌ها و سیاست‌های دولت، بی حرمتی به حقوق خصوصی و عدم استیفاده حقوق خصوصی در مواردی که با تعرض، بھویژه تعرض از سوی دولت، رویه رو می شود و نظایر این‌ها، در ایران باعث شده است تا مردم در بسیاری از موارد، ورود خود را به برخی فعالیت‌ها - بھویژه فعالیت‌های بلندمدت و خطر اقتصادی - از نظر عقلانی بی معنی بینگارند. نویسنده معتقد است از آنجا که عامل اولیه این تحول در ساختار عقلانیت ایرانیان، حکومت بوده است (رفتارها و سیاست‌های غیر عقلانی و بی ثبات حکومت در بلندمدت)، اصلاح آن نیز باید از حکومت آغاز شود. اما به یاد می آورد که هرگاه حکومت، خود را طی یک برنامه ریزی بلندمدت اصلاح کند، جامعه، حداقل با وقفه‌ای یک نسلی اصلاح خواهد شد.

* این مقاله متن ویراسته و کامل شده‌ی سخترناتی ای است که با عنوان «موافع فرهنگی توسعه‌ی اقتصادی در ایران» در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۲ در تالار فجر دانشگاه شیراز ایراد شده است.

** عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

عاقلانیت
از
نمای
جهانی
نهاد
دولتی

(Pascharopoulou & Sanyal, 1981)



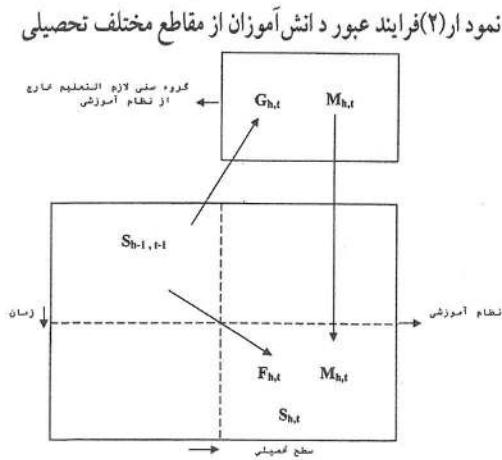
۲- اثر عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی

۱- اثر جمعیت لازم‌التعلیم

رشد جمعیت در هر جامعه متاثر از سه عامل زاد و ولد، مرگ و میر و مهاجرت می‌باشد و تحولات جمعیتی نیز متاثر از همین عوامل است. تعداد متولدین و در پی آن تعداد افراد لازم‌التعلیم و تغییرات ایجاد شده در گروههای سنی می‌تواند با ضرایب متفاوتی بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی در حال و آینده مؤثر واقع شود. بنابراین رابطه‌ی مستقیمی بین جمعیت کشور، نرخ زاد و ولد، نمودار لازم‌التعلیم و تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی وجود دارد. فرایند تحولات جمعیت لازم‌التعلیم ورود و خروج آنها را می‌توان باستفاده از الگوی ارائه شده توسط ساخاراپولس نشان داد.

(Psacharopoulos & Soumelis, 1979)

◆
رشد جمعیت
در هر جامعه
متاثر از سه عامل
زاد و ولد،
مرگ و میر
ومهاجرت می‌باشد
و تحولات جمعیتی
نیز متاثر از
همین عوامل
است.



دختران در مقطع متوسطه، دوم؛ افت و ترک تحصیل دختران در مقطع متوسطه، سوم؛ عدم راه‌یابی و دستیابی دختران به شغل مناسب پس از اتمام تحصیلات عالی (کا- ساپارائو و همکاران ۱۳۷۷). لیکن این وضع در حال تغییر است. برای مثال نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی، با سطح توسعه‌ی کشور و رشد جامعه‌ی شهری آنها ارتباط دارد. هر قدر جمعیت ساکن در شهرها، بیشتر باشد نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی از رشد فزاینده‌ای برخوردار خواهد بود و هر اندازه کشورها از رشد اقتصادی و تحولات بیشتری بهره‌برده باشند، نقش زنان و حضور گسترده‌ی آنها در جامعه ملموس‌تر خواهد شد. با وجود این، هنوز در اکثر کشورهای در حال توسعه، درصد بیشتری از سران به آموزش عالی و مقاطع بالاتر آن روی می‌آورند (ساخاراپولوس، ۱۳۷۰). عموماً این تفاوت‌ها از دوره‌ی دیستان آغاز می‌شود و در دانشگاه باشد تبیشتری خود را نمایان می‌سازد. در کشور ما این روند در حال معکوس شدن است و در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ حدود ۶۰ درصد از پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری را دختران تشکیل داده‌اند.

۴- تأثیر خانواده
نهاد خانواده در گذشته اصلی‌ترین عامل تشکیل دهنده ویژگیهای مختلف فرد محسوب می‌گردید. هر چند امروزه خانواده به میزان گذشته بر تشکیل شخصیت فرد مؤثر نمی‌باشد ولی همچنان سهم بسزایی در تشکیل شخصیت برخوردار است. تقاضا برای آموزش عالی، انتخاب نوع رشته و طول دوره‌ی آموزشی به شدت تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و زمینه‌های اقتصادی خانواده قرار دارد.

معمولًا فرزندان خانواده‌های فقیر و کم درآمد ترک تحصیل کرد و تحصیلات خود را به مدت طولانی ادامه نمی‌دادند. سابقه‌ی فرهنگی و اجتماعی فرد بر انتخاب رشته‌ی آنها مؤثر است. افراد متعلق به خانواده‌های کم درآمد تمایل بیشتری دارند که وارد بازار کار شوند. با اینکه در حین تحصیل، به کار نیز مشغول هستند که خود عملی است برای بازماندن از ادامه‌ی تحصیل. همچنین دختران خانواده‌های مرغه، نه تنها به طور نابرابر نسبت به دختران خانواده‌های فقیر وارد دیستان و دانشگاهها می‌شوند بلکه تا مدارج بالاتر ادامه تحصیل می‌دهند.

مدیریت و ارتباطات مدیران با معلمان و کارکنان و دانشآموزان و بالعکس) می‌باشد بی‌شک فضای فیزیکی مؤسسات آموزشی در جذب جوانان تأثیر بسزایی دارد. از طرف دیگر، هر قدر را بطری می‌مدیران با معلمان و کارکنان مدرسه صمیمی‌تر و هر اندازه رفتار معلمان و مدیران با دانشآموزان مناسب‌تر باشد محیط مدرسه مطبوع‌تر و شرایط جذب کودکان و تأثیر در آنها سهل‌تر خواهد بود. مدیران با نحوه اعمال مدیریت خود و معلمان با ایجاد فضای رقابتی و تشویق می‌توانند جوانان را در مسیر ترقی و پیشرفت قرار دهند. اجرای برنامه‌های آموزشی به طور منظم و نظارت بر کار معلمان و پیشرفت دانشآموزان، می‌تواند در آنها ایجاد انگیزه نمایند و موجب موقتی‌های بیشتر آنها در آینده باشد. چنانچه پذیریم که در مؤسسات آموزشی علاوه بر مباحث علمی، مسایل رفتاری، ارزشی و نگرشی نیز به کودکان آموزش داده می‌شود، می‌توان اذعان نمود که فضای مدرسه و همکاری مدیران و معلمان چقدر می‌تواند در رشد بالندگی کودکان تأثیر مثبت بگذارد. از طرف دیگر، کیفیت دانشآموزان، طبقه‌ی اجتماعی آنها، نوع شغل والدین، میزان تحصیلات آنها و بویژه تحصیلات مادر نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم در رفتار دانشآموزان، محیط مدرسه و کلاس درس تأثیر مهمی داشته باشد. هر قدر فاصله‌ی طبقاتی و تفاوت‌های فرهنگی بین دانشآموزان محدود و ترا باشد، با ایجاد رقابت سالم بین آنها و بین کلاسهای مشابه در مدرسه، می‌توان به رشد و توسعه توانایی‌های جوانان دامن زد. بر عکس، جوانان برخاسته از خاستگاه‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی هم در صورت عدم اصلاح توسط مدرسه و کلاس درس، می‌توانند به صورت دوستان و همکلاسی‌های نامناسب، آثار سویی در پیشرفت تحصیلی و رفتار دانشآموزان داشته باشند.

اینکه جوانان تا چه حد بتوانند سالهای آموزش خود را با علاقه و با موفقیت دنبال کنند و این که در این مسیر تا چه اندازه انتخابهای درست انجام پذیرد، همه به محیط مدرسه، فضای کلاس و کیفیت دانشآموزان همسن و سال بستگی دارد (OECD, ۱۹۷۹).

۳-۲) اثر قوانین و مقررات در تقاضای اجتماعی برای ورود به مقاطعه بالاتر آموزشی، قوانین و مقرراتی وجود دارد.

در این مدل h نمایانگر پایه تحصیلی است. در این صورت $h=1$ سال اول ابتدایی، $h=6$ سال اول راهنمایی و $h=13$ سال اول دانشگاه را نشان می‌دهد. در صورتی که $t-1$ و t به ترتیب وضعیت تحصیلی سال گذشته و کنونی را بیان نمایند، $t-1$ و t وضعیت دانشآموزان در پایه قبلی و سال گذشته را بیان می‌کند. از این تعداد، تعداد Gh,t به دلایل گوناگون مانند پایان‌یافتن مقطع، مردودی، $t-1$ -حذف می‌گردد و مابقی آن یعنی Fh,t به پایه بعدی انتقال می‌یابد. لذا داریم:

$$Gh,t - Sh-1,t-1 = Fh,t$$

در نتیجه Fh,t تعداد دانشآموزان پایه بعدی را تشکیل می‌دهند، در مقابل گروه دیگری مانند Mh,t به نظام آموزشی و تعداد کل دانشآموزان اضافه می‌شوند. این گروه کسانی هستند که به دلیل عدم مراجعت به نظام آموزشی یا ترک تحصیل موقت از نظام آموزشی خارج شده بودند. بنابراین با توجه به نمود ار(۲) می‌توان تعداد خروجی‌ها و ورودی‌های نظام آموزشی را محاسبه نمود. مدل مذکور برای ورودی و خروجی برحسب جنس نیز قابل محاسبه می‌باشد. بنابراین توسعه آموزش متوسط در بی‌رشد جمعیت لازم‌التعليم و گسترش نظام آموزشی - بیش از دانشگاهها - یکی از عوامل مؤثر بر افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در چند دهه‌ی اخیر در اکثر کشورهای بوده است. (OECD, ۱۹۷۹)

که همچنین باید تحولات گروههای سنی را در تقاضای اجتماعی آموزش عالی مورد توجه قرار داد. نظر به مطالعات صورت گرفته در مورد رابطه‌ی تقاضای اجتماعی آموزش عالی و ساختار جمعیت ایران گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله بیشترین تأثیر را در تقاضای اجتماعی آموزش عالی دارند. حال اگر این گروه سنی را به سه گروه سنی ۱۹-۲۴، ۲۰-۲۹ و ۲۵-۳۰ ساله تقسیم‌بندی نماییم، در حال حاضر بیشترین تعداد مربوط به گروه سنی ۱۹-۲۵ ساله می‌باشد که در آینده به سمت دو گروه سنی دیگر تغییر خواهد داشت.

۲- تأثیر محیط مدرسه و نفوذ همسن و سالان

۲-۱) ملاحظه‌ای در تقاضای اجتماعی برای آموزش در مقاطعه بالاتر داشته باشد. محیط مدرسه شامل فضای فیزیکی (وسعت مدرسه، اندمازه‌ی کلاس درس، فضاهای عمومی و اجتماعی، کتابخانه، آزمایشگاه، سایت کامپیوتری، زمین‌های ورزشی) و جو سازمانی (تشکیلات مدرسه از نظر

در استانهایی مانند هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کهکیلویه و بویراحمد، تعداد پذیرفته شدگان رشته‌های مهندسی و پزشکی به نسبت، کمتر از استانهایی مانند اصفهان، تهران و شیراز است. در صورتی که پذیرفته شدگان رشته‌های علوم انسانی که چندان وابستگی به امکانات آموزشی به ویژه امکانات ملحوظه‌ای در تقاضای اجتماعی برای آموزش در مقاطعه بالاتر داشته باشد. محیط مدرسه شامل فضای فیزیکی (وسعت مدرسه، اندمازه‌ی کلاس درس، فضاهای عمومی و اجتماعی، کتابخانه، آزمایشگاه، سایت کامپیوتری، زمین‌های ورزشی) و جو سازمانی (تشکیلات مدرسه از نظر

بنابراین هرچه سطح سواد و طول میانگین سالهای تحصیل در جامعه بیشتر باشد، تقاضا برای آموزش بیشتر است. این مطلب را به روشنی می‌توان در استانهای ۲۸ گانه‌ی کشور دید. استانهایی که دارای میانگین یا نزدیک سواد پایین‌تر هستند تقاضای اجتماعی کمتری دارند. همچنین سطح تحصیلات والدین، خصوصاً مادران تأثیر فراوانی بر تقاضای آموزش عالی فرزندان دارد (Kandel, 1970, and Lasser, 1970).

۵-۲) باورها و ارزشهای حاکم در جامعه

ارزشهای، نگرشها و باورهای حاکم در جامعه می‌توانند بر تقاضای اجتماعی برای آموزش نیز تأثیر گذارند. در جامعه‌ای که آموزش عالی و داشتن تخصص ارزشی ولا به شمار می‌آید، طبیعی است که چنین نگرشی موجب افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها خواهد بود (Anderson, 1983). برخی معتقدند که آموزش تحولات مهمی در شخصیت انسان به وجود می‌آورد و شناخت و جهانبینی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درایت و آینده‌نگری او را تقویت می‌کند. بعضی دیگر آموزش را وسیله‌ای قلمداد می‌کنند که قادر است با انتقال دانش و ایجاد تخصص، تواناییهای فرد را گسترش داده و وی را برای بازار کار آماده نماید. هر دوی این طرز تفکرها و نگرشها می‌توانند درست باشد و به نحوی به انگیزه‌هایی تبدیل شود که تقاضا برای ورود به دانشگاه را ارتقا بخشد. باور دیگر حاکم بر جامعه، آن است که افراد تحصیل کرده عموماً مشاغل بالاتری را عهده‌دار می‌شوند. در دنیای کار، نزد بان شغلی را با سرعت بیشتری می‌پیمایند و یا سرعت در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. چنین نگرشی نیز موجب افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی خواهد شد.

از طرف دیگر در یک جامعه‌ی درحال تحول، نیروی کار موفق را افرادی تشکیل می‌دهند که مرتب‌در خود سرمایه‌گذاری‌های آموزشی انجام داده، سطح تواناییها و پیشتری را برای ادامه‌ی تحصیل دارند و مهارت‌های ایشان را توسعه دهنند.

۳-۳) اثر عوامل و امکانات آموزشی بر تقاضای اجتماعی

کمیت و کیفیت امکانات موجود و تنوع آن از یکسو و ظرفیت پذیرش و گزینش دانش آموزان در مقاطع بالاتر از سوی دیگر می‌تواند آثار مهمی در تقاضای اجتماعی برای آموزش داشته باشد.

این قوانین اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. ارائه‌ی مدارکی مبنی بر موقیت در مقاطع قبلی، ساده‌ترین نوع این پیش‌نیازها برای ادامه‌ی تحصیل می‌باشد. برای مثال، پیش‌نیاز پذیرش در دانشگاه، داشتن مدارک فراغت از تحصیل در مقطع دیپلم است. گاهی علاوه بر پیش‌نیازهای اولیه، از دانشجویان مصاحبه‌ای نیز به عمل می‌آید. در بعضی از کشورها پذیرفته شدن در دانشگاه، مستلزم قبولی در آزمونهای ورودی است. هر قدر تقاضا برای ورود به دانشگاه زیاد تر گردد و هر آندازه عرضه امکانات آموزشی محدود‌تر باشد، آزمونهای ورودی و گزینش جدی‌تر خواهد بود.

نیو آزمونهای ورودی و یا سهولت در پذیرفته شدن در این آزمونها، امکان ورود به دانشگاه را آسان و بر تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی می‌افزاید. اما ورود به دانشگاه بد ون گزینش و سنجش تواناییهای داوطلبان نیز از سوی دیگر، مشکلات و مسایلی را به وجود می‌آورد. بدین معنی که داوطلبان ورود به دانشگاه ممکن است از کیفیت یکسانی برخوردار نبوده و برای ادامه‌ی تحصیل آمادگی لازم را نداشته باشند.

اگرچه حذف آزمونهای ورودی ممکن است بر میزان پذیرش در سال اول بیفزاید، لیکن عدم آمادگی دانشجویان در سالهای بعد منجر به شکست تحصیلی آنها و احتمالاً انصراف از تحصیل ایشان خواهد شد. در بسیاری از دانشگاه‌های اروپایی، ورودی‌های هر رشته در هر سال از حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر فراتر نمی‌رود. به هر حال هر گاه از محدود دیهای موجود برای ورود به دانشگاه کاسته شود، بیشک بر تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی افزوده خواهد شد (Harnqvist, K, 1987, PP ۲۱۲-۲۲۰).

۴-۲) سطح سواد جامعه

یکی از عناصر تشیکل دهنده‌ی فرهنگ در هر جامعه سطح، نرخ و میانگین سواد در آن جامعه است. به طوری که در شاخص توسعه‌ی انسانی HDI مطرح شده از سطح سازمان ملل از سال ۱۹۹۰ تا به امروز، سواد جامعه به اشکال گوناگون، نرخ، سطح و طول میانگین سالهای تحصیل تشکیل دهنده‌ی یکی از سه نماینده شاخص HDI در کنار رآمد سرانه و امید به زندگی است.

اگر سلسه‌مراتب آموزشی را از پایین به بالا موردن توجه قرار دهیم افرادی توانسته‌اند به مرتب‌بالای آموزشی دست یابند که از تواناییهای فکری و ذهنی‌بالاتری برخوردارند و در نتیجه افرادی که از تواناییهای بالاتری برخوردارند معمولاً تقاضای اجتماعی

۳-۲) تأثیر ظرفیت پذیرش مؤسسات آموزش عالی یکی از امکانات آموزشی، ظرفیت پذیرش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است. گسترش امکانات آموزشی موجب افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاهها می‌گردد و در صورت افزایش ظرفیت پذیرش، تقاضای اجتماعی افراد برای آموزش عالی تهییج گردید و افزایش می‌یابد.

به طور مثال در کشور ما کمترین ظرفیت پذیرش دانشجو مربوط به رشته‌های هنر است در این راستا تعداد مقاضیان رشته‌های هنر نیز در حد اقل قرار دارد.

۴- عوامل اقتصادی بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی یکی از چهار دسته عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی، عوامل اقتصادی اند از قبیل: وضعیت اشتغال، سیاستهای حمایتها د ولتی، سطوح درآمد افراد و ...

۱-۴) تأثیر وضعیت اشتغال
برد اشت شخصی دانش آموزان از وضعیت شغلی در جامعه می‌تواند در انتخاب آموزش‌های بعدی آنها تأثیر مهمی داشته باشد. به طور کلی انتخاب نوع رشته و طول دوره تحصیل دانش آموزان تحت تأثیر عوامل زیر قرار می‌گیرد (عمادزاده، ۱۳۷۹).

• میزان علاقه و تمایل افراد به آن رشته.
• درآمد موردنظر از آن شغل.

• سرعتِ امکان یافتن کار در این گونه مشاغل.

• سرعتِ رسیدن درآمد هادر طی دوره اشتغال.
بدین ترتیب شاید بتوان تغییر در تقاضای اجتماعی برای دوره‌های خاصی از آموزش را، توسط امکان یافتن کار در آن شغل و بازده اقتصادی آن توضیح داد. لذا عوامل اقتصادی در تقاضای اجتماعی برای آموزش، از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر اساس نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی، یک تصمیم عقلایی برای انتخاب نوع بخصوص از آموزش، عموماً به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- هزینه‌ی مستقیم برای فرد.

۲- هزینه‌های غیرمستقیم آموزش (هزینه‌ی فرصت‌های از دست رفته و یا درآمدهای صرف نظر شده) در طول دوره آموزش.

۳- آینده‌ی شغلی این دوره‌ها، پس از فراغت از تحصیل.

۴- رسید رآمدهای موردنظر پس از فراغت از تحصیل.

۱-۳) تأثیر کمیت و کیفیت امکانات موجود آموزشی امروزه هر نظامی تلاش می‌کند حتی الامکان به تقاضای اجتماعی برای آموزش به نحو احسن پاسخ دهد. زیرا اکنون مسلم شده که رشد اقتصادی هر کشور در گرو نیروی انسانی تحصیل کرده و موجودی سرمایه‌ی انسانی آن جامعه می‌باشد. بنابراین امکانات آموزشی هر جامعه با توجه به میزان تقاضای اجتماعی آن توسعه می‌یابد. این توسعه از یک سود راجه پاسخ به نیازهای دانشجویان و از دیگر سود راستای جامعه عمل پوشانیدن به اهداف اجتماعی تحول پیدا می‌کند.

امکانات آموزشی را در هر جامعه به بخش کمی و کیفی می‌توان تقسیم‌بندی نمود. امکانات کمی مانند: تعداد مد ارس در مقاطع مختلف تحصیلی، میزان تقاضای آموزشی، نسبت دانش آموزان به فضای آموزشی، معلم و کادر اجرایی. تعداد آموزشگاهها و هزینه‌های صورت گرفته برای آموزش از طرف خانوارها و دولت.

امکانات کیفی مانند: سطح سواد معلمان و کادر آموزشی، میزان امکانات آزمایشگاهی و کمک درسی، به کارگیری روش‌های تدریس نوین و ...

تأثیر امکانات در قالب کمی و کیفی بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی به یک نحو صورت نمی‌گیرد. معمولاً امکانات کمی شرط لازم برای تقاضای اجتماعی

پسران آموزش عالی است. به طوری که به محض وجود امکاناتی مانند فضای کالبدی آموزشی، معلم و ... رشته‌های علوم انسانی گسترش می‌یابند ولی رشته‌های کاربردی و فنی مستلزم امکانات کیفی نیز می‌باشد. با بر سطح درآمد خانوار پیغایند.

بنابراین عالی در کشور، مناطق و استانهای محروم نسبت به آموزش آنها استانهای برخورداری تقاضای اجتماعی متفاوتی در رشته‌های مختلف تحصیلی آموزش عالی هستند.

می‌شود. در حالی که عموماً در استانهایی مانند هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کهکیلویه و بویراحمد، تعداد پذیرفته شدگان رشته‌های مهندسی و پژوهشکی به نسبت کمتر بدین ترتیب، صورتی که پذیرفته شدگان رشته‌های علوم انسانی - که

آموزش دختران چندان وابستگی به امکانات آموزشی به ویژه امکانات از اولویت پایین‌تری که ندارند - در استانهای محروم با استانهای برخورد از تفاوتی ندارند.

برخورد از تفاوتی ندارند. است.

و رشد درآمدها، از یکسو به روند عمومی شرایط اقتصادی و ازدیگر سو به توسعه‌ی عرضه و تقاضای بازار کار افراد یا تحصیلات مشابه بستگی دارد. به هر حال فرد نمی‌تواند تصمیمات خود را در شرایط دقیق و مشخصی استوار سازد، زیرا در طی دوره‌ی آموزش و پس از فراغت از تحصیل این شرایط ممکن است تغییر نماید. از طرفی چنانچه آینده‌ی یک رشته‌ی تحصیلی بسیار امیدوارکنند و اگر همه‌ی دانشآموزان چنین برد اشتی داشته باشند و در این رشته ثبت‌نام کنند، در این صورت پس از چهار سال، عرضه‌ی نیروی کار در این رشته احتمالاً بیش از تقاضای آن خواهد بود و موجب رکود بازار کار برای آن رشته خواهد شد.

در مجموع می‌توان اظهار داشت که تقاضای اجتماعی برای دوره‌های دانشگاهی بستگی به بازار کار فارغ‌التخصصیان و میزان درآمدی دارد که آنها قادرند دریافت دارند. چرا که امروزه در کشور موضعیت اشتغال دانشآموختگان دانشگاهها برای تقاضای اجتماعی آموزش به‌طور مشهودی مؤثر واقع شده است. با توجه به افزایش نرخ بیکاری دانشآموختگان دانشگاهها در چند سال اخیر روند تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در میان مردم ان نسبت به زنان به شدت کاهش یافته است. بنابراین شاید بیکاری فارغ‌التخصصیان آموزش عالی یکی از دلایل کاهش تقاضا برای آموزش عالی در میان مردم اند باشد.

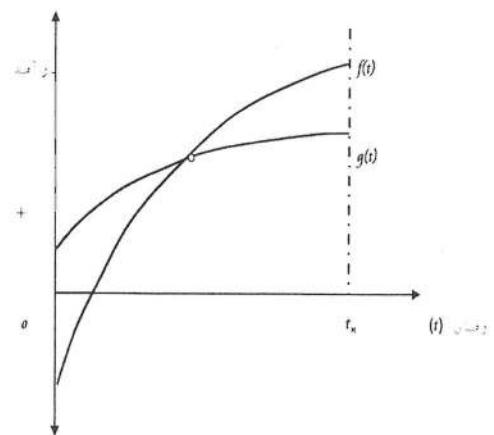
۴-۲ سیاست‌های حمایت‌های دولت

سیاست‌های دولتی از بخش آموزش عالی در اشکال گوناگون، صورت می‌گیرد. یکی از مؤثرترین سیاست‌های دولت که موجب گسترش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی می‌گردد، آموزش رایگان و پرداخت کمک هزینه‌ی وام تحصیلی به مقاضیان آموزش عالی است.

امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته هر چند دارای آموزش عالی رایگان نیستند ولی سعی می‌کنند به شیوه‌های گوناگون به فرآگیران دانش کمک نمایند. کشورهای در حال توسعه از زمانی که به اهمیت آموزش عالی توجه نمودند، سعی در حمایت‌های گوناگون از آموزش عالی دارند. که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از: آموزش رایگان، پرداخت کمک هزینه‌ی وام تحصیلی، بورسیه نمودن دانشجویان، استخدام فارغ‌التخصصیان دانشگاهی. قدر زندگانی، اینها دریافت دارند.

با توجه به مسائل اقتصادی، آینده شغلی و درآمد مورد انتظار شخص از شغل بدست آمده پس از تحصیلات عالی، فرد تصمیم خواهد گرفت که ادامه تحصیل دهد یا وارد بازار کار شود. لذا فرد هنگام سرمایه‌گذاری بر روی آموزش و تحصیل باید یکی از دو جریان درآمدی که در نمودار (۳) نشان داده شده است را انتخاب نماید. $G(t)$ نرخ درآمد فرد در صورتی که وارد بازار کار شده و به تحصیل ادامه ندهد و $F(t)$ نرخ درآمد فرد در صورت ادامه تحصیل و سرمایه‌گذاری بر روی آموزش است.

نمودار (۳) جریان درآمدی در طی زمان

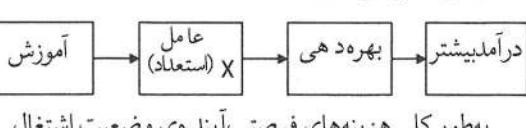


لذا اگر در طول زمان مانند T از ارزش فعلی خالص درآمد (N.P.V) وارد شدن به دانشگاه بزرگتر از صفر باشد، شخص وارد دانشگاه خواهد شد.

$$N.P.V = \int_{0}^{T} [F(t) - g(t)] e^{-it} dt$$

در معادله مذکور آنرخ بهره است.

بنابراین منافع اقتصادی آینده در تصمیم افراد برای کسب آموزش عالی مؤثر است. یعنی آنها هزینه برای آموزش را سرمایه‌گذاری محسوب می‌کنند و در نتیجه در بسیاری از تحقیقات نشان داده شده است که درآمد بیشتر افراد تحصیل کرد و نتیجه کسب آموزش بیشتر است. اقتصاددانان این فرایند را در الگوی زیر نشان می‌دهند:



۴-۳) سطح درآمد

که این عوامل با مرز زمان پیدا می‌کنند، موجب دگرگونی‌هایی در تقاضای اجتماعی برای آموزش می‌شوند و بسیاری از این عوامل را نمی‌توان از قبل پیش‌بینی نمود. اگرچه ویژگی‌های فردی نقش بسیار مهمی در تقاضای اجتماعی برای آموزش دارند، لیکن این عوامل تنها بخشن کوچکی از عناصر تشکیل‌دهنده تقاضای اجتماعی می‌باشند. عرضه‌ی خدمات آموزشی که تحت تأثیر نیازهای جامعه‌واهداف آن توسعه و تحول می‌باشد، تأثیر بسزایی در پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی دارد. ایجاد رشته‌های جدید و متنوع، تسهیل در نحوه پذیرش و گزینش، تأمین مالی نهادهای آموزشی و ارائه یارانه به آنها، اعطای وام و کمک هزینه دانشجویی و امثال آن، زمینه‌ی جذب دانشآموزان بیشتری را به دانشگاه فراهم می‌نماید.

پویایی هر نظام آموزشی ایجاد می‌کند که اصلاحات ساختاری در آن نظام نهادینه گردید، و بتواند با تحول و تکاملی که پیدا می‌کند، نیازهای اساسی جامعه را در زمینه‌ی نیروی کار توانا و متخصص تأمین نماید. چنین نظامی قادر است با عرضه خدمات متعدد و متنوع آموزشی، تقاضای اجتماعی را به سوی افق‌های تازه‌ای هدایت کند. امروزه که منابع انسانی، مهترین منبع رشد اقتصادی به شمار می‌آیند، نظم آموزشی هر جامعه‌ای می‌تواند نقش ارزشمندی را در تربیت این نیروها ایفا کند. در این صورت بین تقاضای اجتماعی برای آموزش و برنامه‌ریزی آموزش نیروی انسانی پیوند مستحکمی ایجاد می‌شود. بنابراین نظام برنامه‌ریزی آموزشی هر جامعه رسالت عمده‌ای در هدایت تقاضای اجتماعی به عهده دارد.

چنین نظامی باید بتواند دو وظیفه اساسی را انجام دهد. از یکسو، باید بتواند تغییرات و تحولات در تقاضای اجتماعی راحتی المقدور پیش‌بینی کند و عرضه خدمات آموزشی را با تقاضای آن مطابق سازد. از یک‌سو برنامه‌ریزی آموزشی باید بتواند با ایجاد تحول در نظام آموزشی، تقاضای اجتماعی را در جهت‌های مورد نیاز جامعه و در راستای حصول به یک توسعه‌ی همه‌جانبه هدایت نماید. هر قدر نظام آموزشی در ایفای رسالت خود و در پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی برای آموزش نقش خود را بادقت و آگاهانه انجام دهد، بی‌شك قادر

یکی دیگر از عوامل اقتصادی مؤثر بر تقاضا برای آموزش عالی سطح درآمد افراد یا خانوارهای است به طوری که تقاضا برای آموزش و بهویژه آموزش عالی رابطه معناداری با سطوح مختلف درآمد دارد. معمولاً در درجه دیگر دبیرستان تعداد قابل توجهی از افرادی که از تحصیل باز می‌مانند، کسانی هستند که دبیرستان را برای یافتن شغل و کسب درآمد رها کرده و ترک تحصیل می‌نمایند، هر چند تئوریها و اندیشه‌ها بر این باورند که سطح آموزش بالاتر، منجر به درآمد بالاتر خواهد گردید. ولی بسیاری از موقع شاهد خواهیم بود که افراد به لحاظ گستردگی فقر و پایین بودن سطح درآمد امکان دستیابی به ابزار آموزش و تحصیل را نخواهند داشت. چرا که دستیابی به این ابزار برای کسب درآمد بالاتر در آینده مستلزم صرف هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم است که شخص از پرداخت این قبیل هزینه‌ها ناتوان است و به همین منظور است که در اکثر کشورها آموزش در مقاطع قبل از دانشگاهها عموماً به صورت رایگان صورت می‌گیرد. تحصیل در مقاطع بالاتر و آموزش عالی نیز متأثر از سطوح مختلف درآمدی است. معمولاً خانواده‌هایی که از سطوح درآمد بالاتر برخوردارند امکان دستیابی به سطوح آموزش بالاتر مانند دانشگاهها را دارا هستند، به ویژه زمانی که ادامه تحصیل و آموزش عالی مستلزم هزینه‌های بالا باشد. لذا در بسیاری از کشورها در کنار عوامل اجتماعی، فرهنگی (Maria E. menon, ۱۹۹۶) عوامل اقتصادی مانند سطح درآمد (Duchesne & Nonneman, ۱۹۹۸) بر آموزش عالی مؤثرند.

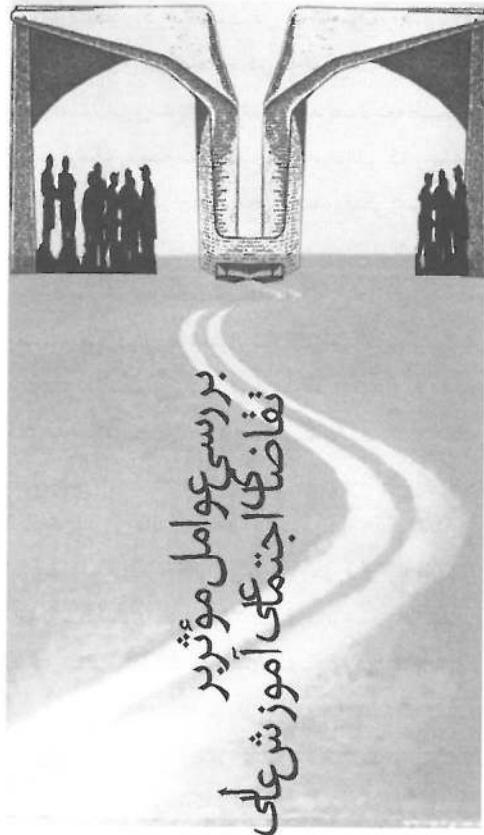
۵- جمع‌بندی نتایج

تقاضای اجتماعی برای آموزش که حاصل مجموع تقاضای انفرادی افراد برای تحصیلات است، عموماً تحت تأثیر ویژگی‌های فردی، عوامل محیطی (محیط خانوادگی و محیط مدرسه)، امکانات نظام آموزشی، و نهایتاً شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه قرار می‌گیرد. ویژگی‌های فردی همچون: جنسیت، امکان دستیابی و خاستگاه اجتماعی افراد، رابطه‌ی مستحکمی با رشته‌ی تحصیلی انتخابی وی دارد. این عوامل در واقع اساسی و پایه تقاضای فردی برای آموزش را تشکیل می‌دهند. تغییرات و تحولاتی



- 1-Anderson, C.A (1983). "Social Selection in Education and Economic Development", Washington, D.C. World Bank, Education Department, P. 16-18
- 2-Cohn, E. & Geske, T.G (1990). "Economics of Education" third Edition Longon, Pergamon Press, pp. 216-218
- 3-Kandel and Lasser, G (1970). "School, Family and Peer Influences on Educational Plans of Adolescents in United states,..." Social Education, 43: 270-87
- 4-Harnqvist, K. (1987). "Social, Demand Models in Pascharopoulos, G (ed)". Economics of Education, New York, Pergamon, PP. 212-220
- 5-I. Duchesne and W. Nonneman. (1998). "The Demand For Higher Education in Belgium". Economics of Education Review, Vol 17, No. 2, PP. 211-218
- 6-Maria E. Menon. (1997). "The Demand For Higher Education in Cyprus: An Educational Policy Perspective", Higher Education Policy
- 7-Organization For Economic Co-operation and Development (OECD), (1979), "Individual Demand for Education, General Popular, Paris, OECD, P.37
- 8-Psacharopoulos, G & Soumelis, C. (1979). "A Quantitative Analysis of the Demand For Higher Education". In Higher Education Review Vol. 8, PP. 159-77
- 9-Psacharopoulos, G. & Sanyal, B. (1981). "Higher Education and Employment", the IIEP Experience in Five Less Developed Countries, Paris, International Institute for Educational Planning" p26

خواهد بود زمینه‌ی جذب دانش آموزان بیشتری را برای مقاطع بالاتر تحصیلی فراهم نماید.



منابع:

- 1- ساخاروپولوس، ج و وود هال، م: آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینش‌های سرمایه‌گذاری، ترجمه‌ی پریدخت و حمید سهرابی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۰).
- 2- سهرابی، حمید: آموزش عالی و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران، سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴).
- 3- عمادزاده، مصطفی: «تقاضا برای آموزش عالی»، مجله‌ی برنامه و بودجه، تهران، شماره‌ی ۱۶ - ۱۷ (۱۳۷۷).
- 4- کا- سبارانو و همکاران: سهم زنان در آموزش عالی؛ پیشرفتها - محدودیت‌ها و اقدامات نویدبخش، ترجمه‌ی محمد رضا کرامتی، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و مطالعات زنان، تهران (۱۳۷۸).
- 5- گردیده‌ی مقالات، دایره المعارف آموزش عالی، جلد اول و دوم، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۷۸).
- 6-وحیدی پریدخت، تهدید، ثبت و یا تشید تقاضای اجتماعی آموزش عالی کدام یک، چرا و چگونه؟ ارانه شده در همایش بررسی مسایل، مشکلات و چشم‌اندازهای آتی اشتغال و دانش آموختگان آموزش عالی در ایران، تهران (۱۳۷۹).

